



دانشکده علوم انسانی  
گروه زبان‌شناسی و زبان انگلیسی

بررسی روش‌هایی برای تعیین معانی و تفکیک مفاهیم  
مدخل‌های انواع فرهنگ‌های یک‌زبانه و دوزبانه  
(فارسی-انگلیسی)

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبان‌شناسی همگانی

نگارنده

اعظم براتی

استاد راهنما

آقای دکتر سیدمصطفی عاصی

استاد مشاور

آقای دکتر احمد صفارمقدم

بهمن ماه ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پدر و مادر

عزیز و مهربانم

## سپاسگزاری

منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر  
اندرش مزید نعمت. پروردگار متعال را سپاس می‌گوییم که فرصت  
نگارش این اثر را به من ارزانی داشت.

انجام این پژوهش را مدیون زحمات بی‌دریغ استادان بزرگوارم  
می‌دانم:

جناب آقای دکتر سیدمصطفی عاصی، به خاطر راهنمایی‌های  
گرانبها و ارزشمندشان، که با صبر و حوصله بسیار همواره  
پرسش‌های مرا پاسخگو بودند.

جناب آقای دکتر احمد صفارمقدم، استاد محترم مشاور، که این  
پژوهش را مورد مطالعه قرار دادند و با نظرات و پیشنهادات  
ارزنده‌شان مرا در نگارش آن یاری نمودند.

سرکار خانم دکتر بلقیس روشن، مدیر محترم گروه زبان‌شناسی و  
زبان انگلیسی که وقت گرانقدر خویش را در اختیار من نهادند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱- مقدمه
۳	۱-۱ بیان مسئله و اهمیت آن
۴	۲-۱ انگیزه و هدف پژوهش
۴	۳-۱ پرسش‌های پژوهش
۵	۴-۱ فرضیه‌ها
۵	۵-۱ روش پژوهش
۵	۶-۱ محدودیت‌های پژوهش
۵	۷-۱ نوع داده‌ها
۵	۸-۱ تعداد مدخل‌ها
۶	۹-۱ بیان برخی مفاهیم و اصطلاحات پایه
۶	۱-۹-۱ زبان، بخش‌ها و سطح‌های آن
۶	۲-۹-۱ زبان‌شناسی
۷	۳-۹-۱ تکواژ
۸	۴-۹-۱ واژه
۹	۵-۹-۱ واحد واژگانی
۹	۶-۹-۱ سرواژه/مدخل
۹	۷-۹-۱ اطلاعات درون یک مدخل
۱۰	۱۰-۱ گستره واژه‌ها
۱۰	۱۱-۱ گستره سرواژه‌ها
۱۰	۱۲-۱ رده‌بندی فرهنگ‌ها
۱۳	۱۳-۱ انواع فرهنگ‌ها
۱۵	فصل دوم: پیشینه پژوهش
۱۶	۱-۲ مقدمه
۱۶	۲-۲ مروری بر سیر فرهنگ‌نگاری در غرب و ایران

۱۶	۱-۲-۲ سیر فرهنگ‌نگاری در غرب
۱۹	۲-۲-۲ فرهنگ و فرهنگ‌نگاری در ایران
۲۳	۳-۲ نقد فرهنگ
	۴-۲ نخستین فرهنگ‌ها / انواع فرهنگ‌های تک‌زبانه
۲۳	فارسی به فارسی
۲۴	۱-۴-۲ لغت‌نامهٔ دهخدا
۲۵	۲-۴-۲ فرهنگ عمید
۲۵	۳-۴-۲ فرهنگ معین
۲۸	۱-۳-۴-۲ ویژگی‌های فرهنگ معین
۲۹	۴-۴-۲ فرهنگ فارسی امروز
۲۹	۱-۴-۴-۲ روش و دامنهٔ کار
۳۰	۲-۴-۴-۲ شیوهٔ کاربرد این فرهنگ
۳۳	۵-۴-۲ فرهنگ بزرگ سخن
۳۳	۱-۵-۴-۲ گردآوری لغات
۳۴	۲-۵-۴-۲ گزینش واژه‌ها
۳۴	۳-۵-۴-۲ نحوهٔ انتخاب مدخل‌ها
۳۵	۴-۵-۴-۲ ترتیب مدخل‌ها
۳۵	۵-۵-۴-۲ تعریف مدخل‌ها
۳۵	۶-۵-۴-۲ تفکیک معنایی
۳۶	۷-۵-۴-۲ نقش ریشه‌شناسی
۳۷	۸-۵-۴-۲ نقش بسامد و قدمت
۳۷	۹-۵-۴-۲ حوزه زبان فارسی
۳۷	۱۰-۵-۴-۲ منابع فرهنگ
۳۸	۱۱-۵-۴-۲ ویژگی‌های فرهنگ بزرگ سخن
۳۹	۵-۲ فرهنگ‌های دوزبانه فارسی به انگلیسی
۴۰	۱-۵-۲ فرهنگ دوزبانه و تغییرات زبانی
۴۱	۲-۵-۲ انطباق واژه‌های دو زبان
۴۱	۳-۵-۲ انطباق معنایی
۴۲	۴-۵-۲ فرهنگ فارسی به انگلیسی حییم
۴۲	۱-۴-۵-۲ لغات فارسی
۴۳	۲-۴-۵-۲ لغات عربی

- ۴۳ ۲-۵-۴-۳ لغات اروپایی
- ۴۳ ۲-۵-۴-۴ شیوه کاربرد این فرهنگ
- ۴۴ ۲-۵-۴-۵ راهنمای کاربرد فرهنگ
- ۴۵ ۲-۵-۵ فرهنگ جامع فارسی به انگلیسی پیشرو آریانپور
- ۴۶ ۲-۶-۶ فرهنگ‌های تک‌زبانۀ انگلیسی به انگلیسی
- ۴۶ ۲-۶-۱ فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن
- ۴۷ ۲-۶-۱-۱ راهنمای کاربرد فرهنگ
- ۴۸ ۲-۶-۱-۲ ویژگی‌های این فرهنگ
- ۴۸ ۲-۶-۱-۳ مشخصات فرهنگ
- ۴۸ ۲-۶-۲ فرهنگ آکسفورد پیشرفته
- ۴۹ ۲-۶-۲-۱ راهنمای مدخل‌های فرهنگ
- ۴۹ ۲-۶-۲-۱-۱ واژه‌یابی
- ۴۹ ۲-۶-۲-۱-۲ معنایابی
- ۴۹ ۲-۶-۳ فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر
- ۵۰ ۲-۶-۳-۱ واژه‌یابی
- ۵۱ ۲-۶-۳-۲ تمایز معانی
- ۵۱ ۲-۶-۳-۳ ترتیب معانی
- ۵۲ ۲-۶-۴ فرهنگ آمریکایی هریتیج
- ۵۳ ۲-۶-۴-۱ سرواژه‌ها: تنظیم الفبایی
- ۵۳ ۲-۶-۴-۲ ترتیب معانی
- ۵۴ ۲-۶-۴-۳ تمایز معانی
- ۵۵ فصل سوم: مباحث نظری
- ۵۶ ۳-۱ کلان‌ساختار و خردساختار
- ۵۷ ۳-۲ جداسازی مدخل‌ها
- ۵۸ ۳-۳ ترتیب مدخل‌ها
- ۵۸ ۳-۴ تقسیم‌بندی مدخل‌ها به اصلی و فرعی
- ۵۸ ۳-۵ گزینش واژه‌ها
- ۵۹ ۳-۶ تعریف
- ۶۰ ۳-۶-۱ روش مرتب‌کردن تعریف‌ها
- ۶۱ ۳-۶-۲ شیوه‌های تعریف‌نگاری
- ۶۱ ۳-۶-۲-۱ تعریف دوری و تعریف به مترادف

- ۶۷ ۲-۲-۶-۳ تعریف دوری و تعریف به جنس و فصل
- ۶۹ ۳-۶-۳ جامعیت و مانعیت تعریف‌ها
- ۶۹ ۴-۶-۳ تعداد معانی هر واژه
- ۷۰ ۷-۳ تمایز معنایی در فرهنگ‌های دوزبانه
- ۷۳ ۱-۷-۳ نمونه مدخل‌های فرهنگ‌های دوزبانه
- ۷۷ ۸-۳ روابط مفهومی در سطح واژه
- ۷۷ ۱-۸-۳ هم‌آوا-هم‌نگاشتی
- ۷۷ ۲-۸-۳ هم‌معنایی
- ۷۸ ۳-۸-۳ شباهت معنایی یا یکسانی معنایی
- ۷۹ ۴-۸-۳ گونه‌های هم‌معنایی
- ۸۰ ۱-۴-۸-۳ هم‌معنایی بافت آزاد
- ۸۱ ۲-۴-۸-۳ هم‌معنایی بافت مقید
- ۸۱ ۵-۸-۳ امکان وجود هم‌معنایی مطلق در زبان
- ۸۲ ۶-۸-۳ چندمعنایی
- ۸۵ ۷-۸-۳ علل پیدایش چندمعنایی
- ۸۷ ۸-۸-۳ دلالت چندگانه
- ۸۷ ۱-۸-۸-۳ دلالت چندگانه در کاربرد
- ۸۸ ۲-۸-۸-۳ نقش بافت در دلالت چندگانه
- ۸۸ ۹-۸-۳ گونه‌های ابهام
- ۹۰ ۱۰-۸-۳ سطوح تحلیل ابهام
- ۹۰ ۱-۱۰-۸-۳ ابهام واژگانی
- ۹۱ ۲-۱۰-۸-۳ ابهام نحوی
- ۹۱ ۳-۱۰-۸-۳ ابهام گروهی
- ۹۲ ۴-۱۰-۸-۳ ابهام ساختاری
- ۹۳ ۹-۳ مؤلفه‌های معنایی
- ۹۳ ۱-۹-۳ تحلیل مؤلفه‌ای
- ۹۴ ۱۰-۳ فرضیه معنایی کتز
- ۹۵ ۱-۱۰-۳ فرهنگ لغت
- ۹۶ ۲-۱۰-۳ قواعد خوانش
- ۹۶ ۱۱-۳ زبان‌شناسی پیکره‌ای
- ۹۷ ۱۲-۳ نقدهایی بر پیکره‌های زبانی



۹۹	۳-۱۳ نرم افزار پیکره زبانی
۹۹	۳-۱۳-۱ جمع آوری داده‌ها
۱۰۰	۳-۱۳-۲ آماده‌سازی داده‌ها
۱۰۱	۳-۱۳-۳ برچسب‌دهی نحوی-معنایی
۱۰۱	۳-۱۳-۴ آمارگان
۱۰۲	۳-۱۴ جستجوی هوشمند در پیکره زبانی
۱۰۴	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۰۵	۴-۱ مقدمه
۱۰۶	۴-۲ تمایز معانی واژه‌ها در بافت
۱۰۷	۴-۲-۱ فرهنگ‌های فارسی به فارسی و فارسی به انگلیسی
۱۰۷	۴-۲-۱-۱ مدخل «آریا»
۱۰۹	۴-۲-۱-۲ مدخل «آسیا»
۱۱۱	۴-۲-۱-۳ مدخل «پَر»
۱۱۳	۴-۲-۱-۴ مدخل «پِر»
۱۱۴	۴-۲-۱-۵ مدخل «تار»
۱۱۷	۴-۲-۱-۶ مدخل «تَن»
۱۱۸	۴-۲-۱-۷ مدخل «تُن»
۱۲۰	۴-۲-۱-۸ مدخل «خار»
۱۲۱	۴-۲-۱-۹ مدخل «خوش»
۱۲۳	۴-۲-۱-۱۰ مدخل «دست»
۱۲۷	۴-۲-۱-۱۱ مدخل «دل»
۱۳۰	۴-۲-۱-۱۲ مدخل «رَوی»
۱۳۲	۴-۲-۱-۱۳ مدخل «روی»
۱۳۳	۴-۲-۱-۱۴ مدخل «سَدَه»
۱۳۵	۴-۲-۱-۱۵ مدخل «سُدَه»
۱۳۶	۴-۲-۱-۱۶ مدخل «سَر»
۱۴۰	۴-۲-۱-۱۷ مدخل «سِر»
۱۴۱	۴-۲-۱-۱۸ مدخل «سُر»
۱۴۳	۴-۲-۱-۱۹ مدخل «سراب»
۱۴۴	۴-۲-۱-۲۰ مدخل «شانه»
۱۴۷	۴-۲-۱-۲۱ مدخل «شیر»

۱۵۱	۲۲-۱-۲-۴ مدخل «قضا»
۱۵۲	۲-۲-۴ فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی
۱۵۳	«Bank» ۱-۲-۲-۴ مدخل
۱۵۸	«Bark» ۲-۲-۲-۴ مدخل
۱۶۰	«Foot» ۳-۲-۲-۴ مدخل
۱۶۳	«Head» ۴-۲-۲-۴ مدخل
۱۷۱	«Mail» ۵-۲-۲-۴ مدخل
۱۷۳	«Mole» ۶-۲-۲-۴ مدخل
۱۷۵	«Needle» ۷-۲-۲-۴ مدخل
۱۷۷	«Pupil» ۸-۲-۲-۴ مدخل
۱۷۸	«Run» ۹-۲-۲-۴ مدخل
۱۹۲	«Sole» ۱۰-۲-۲-۴ مدخل
۱۹۴	۳-۴ روش مرتب‌کردن معانی گوناگون یک مدخل
	۱-۳-۴ فرهنگ‌های تک‌زبانۀ فارسی به فارسی و
۱۹۵	دوزبانۀ فارسی به انگلیسی
۱۹۶	۲-۳-۴ فرهنگ‌های تک‌زبانۀ انگلیسی به انگلیسی
۱۹۸	فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۹۹	۱-۵ جمع‌بندی کلی
۱۹۹	۲-۵ یافته‌های پژوهش
۲۰۰	۳-۵ نتیجه‌گیری
۲۰۰	۴-۵ پیشنهادات
۲۰۲	کتابنامه

## فهرست پیوست‌ها و جداول

صفحه	عنوان
۲۰۷	پیوست‌ها
۲۰۸	پیوست ۱: فهرست فرهنگ‌های فارسی به فارسی
	پیوست ۲: نمونه مدخل‌های فرهنگ‌های فارسی به فارسی و
۲۱۴	فارسی به انگلیسی
۲۱۴	الف - هم‌نگاشتی و هم‌آوا-هم‌نگاشتی
۲۱۴	(۱) لغت‌نامهٔ دهخدا
۲۳۰	(۲) فرهنگ عمید
۲۳۳	(۳) فرهنگ معین
۲۳۶	(۴) فرهنگ فارسی امروز
۲۳۷	(۵) فرهنگ سخن
۲۴۲	(۶) فرهنگ پیشرو آریانپور
۲۴۴	ب - چندمعنایی
۲۴۴	(۱) لغت‌نامهٔ دهخدا
۲۴۷	(۲) فرهنگ عمید
۲۴۷	(۳) فرهنگ معین
۲۴۷	(۴) فرهنگ فارسی امروز
۲۴۸	(۵) فرهنگ سخن
۲۵۱	(۶) فرهنگ پیشرو آریانپور
۲۵۳	پیوست ۳: نمونه مدخل‌های فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی
۲۵۳	الف - هم‌نگاشتی و هم‌آوا-هم‌نگاشتی
۲۵۳	(۱) فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر
۲۶۰	(۲) فرهنگ آکسفورد پیشرفته
۲۶۰	(۳) فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن
۲۶۷	(۴) فرهنگ آمریکایی هریتیج
۲۶۹	ب - چندمعنایی
۲۶۹	(۱) فرهنگ آکسفورد پیشرفته
۲۷۶	(۲) فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر
۲۷۶	(۳) فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن

- ۲۷۶ (۴) فرهنگ آمریکایی هریتیج
- پیوست ۴: فهرست جداول تفکیک معناییِ مدخل‌های فرهنگ‌های
- ۲۸۱ فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به انگلیسی
- جدول ۱: تفکیک معناییِ مدخل‌های فرهنگ‌های
- ۲۸۱ فارسی به فارسی و فارسی به انگلیسی
- جدول ۲: تفکیک معناییِ مدخل‌های فرهنگ‌های
- ۲۸۲ انگلیسی به انگلیسی

## چکیده

در این پژوهش کوشش شده است تا با بررسی روش‌های تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنا در فرهنگ‌های تک‌زبانه فارسی به فارسی (لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی امروز و فرهنگ بزرگ سخن)، انگلیسی به انگلیسی (فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن، فرهنگ آکسفورد پیشرفته، فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر و فرهنگ آمریکایی هریتیج) و دوزبانه فارسی به انگلیسی (فرهنگ‌های حییم و پیشرو آریانپور) ویژگی‌ها و کاستی‌های آن فرهنگ‌ها مشخص گردد و الگوی مناسبی برای تفکیک معنی ارائه شود. به این منظور، پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین شده است. در فصل اول، کلیات پژوهش مطرح گردیده است که شامل بیان مسأله و اهمیت آن، انگیزه و هدف پژوهش، پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌ها، روش پژوهش، محدودیت‌های پژوهش، نوع داده‌ها و تعداد مدخل‌ها می‌باشد. همچنین، به بیان برخی مفاهیم و اصطلاحات پایه مانند تکواژ، واژه، سرواژه/مدخل، واحد واژگانی و ... پرداخته‌ایم.

در فصل دوم، پیشینه مطالعات بیان شده است که شامل مروری بر سیر فرهنگ‌نگاری در غرب و ایران، ویژگی‌های فرهنگ‌های تک‌زبانه فارسی به فارسی (لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ عمید، فرهنگ معین، فرهنگ فارسی امروز و فرهنگ بزرگ سخن)، دوزبانه فارسی به انگلیسی (فرهنگ‌های حییم و پیشرو آریانپور) و تک‌زبانه انگلیسی به انگلیسی (فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن، فرهنگ آکسفورد پیشرفته، فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر و فرهنگ آمریکایی هریتیج) می‌باشد. در فصل سوم، مبانی و مباحث نظری مرتبط با موضوع تحقیق گنجانده شده است. فصل چهارم، تجزیه و تحلیل چندین نمونه از مدخل‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنا را در هریک از فرهنگ‌های فوق‌الذکر دربرمی‌گیرد. فصل پنجم به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه الگوی مطلوب اختصاص دارد و در پایان آن پیشنهادهایی نیز برای پژوهش‌های آینده ارائه شده است.

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (نظری) انجام شده و در مواردی به هنگام ارائه نمونه‌هایی از فرهنگ‌های تک‌زبانه (فارسی به فارسی)، (انگلیسی به انگلیسی) یا دوزبانه (فارسی به انگلیسی) از روش تحلیل محتوا و داده‌ها استفاده گردیده است. از این رو، روش انجام این پژوهش داده‌بنیاد و نظریه‌بنیاد می‌باشد. از آنجاکه، در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی، مدخل‌هایی که هم‌آوا-هم‌نگاشت نیستند، به لحاظ فرهنگ‌نگاری مشکلی ایجاد نمی‌نمایند، لذا در پژوهش حاضر این سرواژه‌ها گنجانده نشده‌اند و تنها سرواژه‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنا در فرهنگ‌های فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به انگلیسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

تعداد کل مدخل‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت گزیده شده برای بررسی، در فرهنگ‌های فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به انگلیسی ۳۶۵ مدخل می‌باشد. از این تعداد ۲۷۶ مدخل مربوط به فرهنگ‌های فارسی به فارسی و فارسی به انگلیسی می‌باشد، که ۲۴۶ سرواژه آن تجزیه و تحلیل شده است. ۳۰ مدخلی که مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند، اسامی خاص لغت‌نامه دهخدا می‌باشند. تعداد کل سرواژه‌های مورد بررسی در فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی ۸۹ مدخل است، که همه آنها تجزیه و تحلیل شده‌اند. نگارنده کوشیده است با مقایسه تفکیک مفاهیم و تعیین معنی هریک از سرواژه‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنا بررسی شده به روش هریک از این فرهنگ‌ها پی برد و آنها را بگونه‌ای توصیف نماید که بتوان برای پرسش‌های پژوهش، پاسخ‌های مناسبی به دست آورد.

**کلیدواژه‌ها:** تفکیک معنی، چندمعنایی، فرهنگ‌نگاری، مدخل، معنی، هم‌آوا، هم‌نگاشت، هم‌آوا-هم‌نگاشتی

# فصل اول: کلیات پژوهش

## ۱- مقدمه

فرهنگ‌نگاری که شکل علمی آن از جوان‌ترین رشته‌های علوم انسانی است، یکی از شاخه‌های کاربردی علم زبان‌شناسی می‌باشد. این حوزه، امروزه تنها مجموعه‌ای از مهارت‌های تخصصی و دانش‌های کاربردی تلقی نمی‌شود، بلکه با افزایش علاقه زبان‌شناسان به بررسی جنبه‌های گوناگون زبان و با گرایش فرهنگ‌نگاران به استفاده از روش‌ها و نظریه‌های علمی، به عنوان حوزه‌ای نظری و پژوهشی نیز مورد توجه قرار گرفته است. هارتمن [۴۹]، این حوزه را به دو جنبه عملی (تدوین فرهنگ) و نظری (پژوهش پیرامون فرهنگ‌ها) تقسیم کرده است. وی در جنبه عملی این حوزه، به سه مرحله ضبط و گردآوری داده‌ها، توصیف و ارائه آنها و در جنبه نظری آن، به پژوهش‌های گوناگونی مانند تاریخچه فرهنگ<sup>۱</sup>، نقد فرهنگ<sup>۲</sup>، کاربرد فرهنگ<sup>۳</sup> و رده‌شناسی فرهنگ<sup>۴</sup> اشاره کرده است.

تدوین انواع فرهنگ‌ها یکی از مهمترین زمینه‌های برنامه‌ریزی زبانی در بیشتر کشورهای مترقی در جهان امروز است که به کمک آن، فرهنگ و زبان خویش را ثبت، توصیف، و به همه عرضه می‌کنند. زیرا در عصری گام نهاده‌ایم که ارتباطات و انتقال علوم بیش از هر دورانی مورد توجه قرار گرفته است و زبان هم نقش بسزایی در این راه ایفا می‌کند. نیازهای کنونی جامعه ما در زمینه فرهنگ‌نگاری و پیدایش نظریه‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های نوین برای تدوین فرهنگ‌ها، لزوم بازنگری و سازماندهی تازه‌ای را برای فعالیت‌های فرهنگ‌نگاری ایجاب کرده است. به رغم گسترش فرهنگ‌نگاری در ایران، به نظر می‌رسد نابسامانی‌ها و کمبودهای بسیاری در این زمینه وجود دارد. از آنجا که فرهنگ‌ها، نمایانگر بخش‌هایی از واژه‌های زبان و گاه نشانگر فرایند تحول آن و نیز بخش کوچکی از تاریخ زبان تلقی می‌شوند و از آن جا که حاصل پویایی فرهنگی و پاسخی به نیازهای جامعه و پشتوانه زبان علمی فارسی هستند، توجه به نابسامانی‌های آنها برای حل مشکلات و هموار کردن راه آینده در مسیری درست از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. [۲۶: ص ۳۲]

به عبارت دیگر، امروزه فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری علمی-کاربردی به رفع مشکلات زبانی روز کاربرانی گسترده و متفاوت از هر طبقه و با هر میزان از تحصیلات می‌پردازند. فرهنگ‌نگار امروزی هم تلاش می‌کند ساختار فرهنگ را با توجه خاص به نیازهای طیف متنوع کاربران امروز مدون سازد. لازم به ذکر است که فرهنگ‌های امروزی در کلان‌ساخت یا گستره خود بسیار محدودتر از فرهنگ‌های تاریخی هستند، اما واژه‌هایی به این فرهنگ‌ها راه یافته‌اند که از زبان عامیانه و اصطلاحات صرفاً علمی برگزیده شده‌اند. پس فهرست واژه‌های فرهنگ‌های امروزی از منابعی بسیار گسترده برگزیده می‌شود. پوشش زبانی فرهنگ‌های امروز دیگر تنها به معنی جامعیت و شمول نیست؛ بلکه به‌روزبودن، تنوع در گزینش واژه‌ها و ارائه گزارشی دقیق و موثق از واژه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. [۶: صص ۱۱-۱۰]

در کشور ایران نیز، همانند سایر کشورهای جهان، در زمینه فرهنگ‌نگاری مطالعات و پژوهش‌های ارزنده‌ای توسط دانشجویان، دانش‌پژوهان و محققان این رشته انجام شده است، که هریک از این تحقیقات در جای خود بسیار گرانبها و ارزشمند می‌باشد. در این پژوهش، یکی دیگر از زمینه‌های این رشته مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. نگارنده قصد دارد روش‌های تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت هریک از فرهنگ‌های تک‌زبانه فارسی به فارسی (لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی امروز و فرهنگ بزرگ سخن)، فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی (فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن، فرهنگ آکسفورد پیشرفته، فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر و فرهنگ آمریکایی هریتیج) و فرهنگ دوزبانه فارسی به انگلیسی پیشرو آریانپور را مورد نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. از این رو، ابتدا به مطالعه روابط مفهومی هم‌آوا-هم‌نگاشتی و چندمعنایی در سطح واژه خواهیم پرداخت، تا

1. Dictionary History
2. Dictionary Criticism
3. Dictionary Use
4. Dictionary Typology

با مقایسه تفکیک معنی و مفاهیم سرواژه‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنای فرهنگ‌های مزبور، به شیوه تعیین معنی و تفکیک مفاهیم هریک از آنها دست یابیم.

## ۱-۱ بیان مسئله و اهمیت آن

زمان به پیش می‌رود و ما را با خود به پیش می‌برد. با فراگیرتر شدن تحصیلات عمومی در طول سده گذشته، طیف کاربران فرهنگ دستخوش تحولی بنیادی گشته است. کاربران امروزی فرهنگ‌ها دیگر منحصرأ ادبا و فضلا نیستند. طیف وسیعی، از دانش‌آموزان و دانشجویان گرفته تا اشخاص عادی، کاربران امروزی فرهنگ‌ها به‌شمار می‌آیند. [۶: ص ۹] در پیشگفتار ویرایش دوم فرهنگ معاصر فارسی امروز [۶۹] به قلم صدقی افشار و همکارانش آمده است: "پیش از این، تصور فرهیختگان ما از فرهنگ، کتابی بود که در آن انبوهی از واژه‌های مکتوب گردآوری و برای هر یک مترادف یا معادلی، گاه با نقل شاهدهایی از متن‌های ادبی قدیم فارسی نوشته شده بود. حال آنکه فارسی‌زبان امروزی، جز در متن‌های ادبی قدیم با هیچ یک از این واژه‌ها سروکار ندارد، بلکه او نیازمند دانستن معنی هزاران اصطلاح، تعبیر، کنایه و دانستن نام و معنی هزاران پدیده علمی، فنی، اجتماعی و فرهنگی تازه است که با آنها روبروست."

از این رو، دیدگاه فرهنگ‌نگاران امروزی در گردآوری اطلاعات زبانی شدیداً دگرگون گشته است. فرهنگ‌نگار امروزی بررسی در زمانی واژه‌ها را وانهاده، زبان را در محدوده خاص زمانی یعنی زبان روز بررسی می‌کند. انبوه واژه‌های گفتاری و عامیانه همچون «خالی‌بستن» و «خالی‌بندی» و «خالی‌بند» که در روزگار ما اجازه ورود به فرهنگ‌ها را یافته‌اند، با برداشتی بی‌طرفانه و فارغ از برچسب‌های اخلاقی به زبان بوده است. چنین دیدگاهی تأثیر مستقیم بر عرضه فرهنگ‌های عمومی تک‌زبانه گذاشته است. دیگر، شواهد الزاماً از متون مکتوب ادبی و فلسفی انتخاب نمی‌شوند، بلکه توجه خاص به زبان گفتاری و نوشتاری و اصطلاحات علمی روز می‌شود و از آنجا که قرار نیست سیر تحول تاریخی واژه نشان داده شود، نیازی هم به شواهد بی‌شمار وجود ندارد. یعنی با وجود اینکه مآخذ انتخاب شواهد بسیار بازرتر هستند، فرهنگ‌های امروزی در محور عرضی چندان حجیم نیستند. [۶: صص ۱۱-۱۰]. از سوی دیگر، توجه بنیادی به نیازهای روز کاربران، فرهنگ‌نگاران را واداشته که در خردساخت به جنبه‌های صوری ارائه اطلاعات از جمله سهل‌الوصول بودن و کاربرپسندی عنایت ویژه‌ای بنمایند. در زمانه شتاب، کاربران وقت و حوصله واکاویدن مقالات مفصل ادیبانه و حکیمانه را در زیرواژه‌های فرهنگ ندارند، بلکه تنها به دنبال رفع نیازهای مبرم و یافتن پاسخی قانع‌کننده برای مشکلات خود هستند. برآوردن چنین نیازی موجب توجه به آرایش صوری فرهنگ‌ها و صفحه‌آرایی شکیل و روشن گشته است؛ امری که در فرهنگ‌های تاریخی کاملاً نادیده گرفته می‌شود. به سخن دیگر، با اینکه فرهنگ‌های امروزی در محور عرضی چندان حجیم نیستند، اما عرضه اطلاعات در آنها بسیار ظریف‌تر و موشکافانه‌تر صورت می‌گیرد. [۶: صص ۱۱-۱۰]

در صفحه یک بخش توضیحات کاربردی فارسی فرهنگ لانگمن [۸۲] آمده است: فرهنگ‌نگاری در کشور ما وارد مرحله علمی خود شده و ضروری است که همراه با رشد و شکوفایی این مرحله، واژه‌جویان و کاربران نیز هرچه بیشتر سطح مهارت واژه‌جویی خود را بالا برده و با مجهز شدن کامل به این فن، آمادگی لازم را برای استفاده بهینه از فرهنگ‌های تک‌زبانه داخلی و خارجی، دوزبانه و یا چندزبانه عمومی و تخصصی که هر چه زمان می‌گذرد از پیچیدگی‌های مناسب خود برخوردار می‌شوند، بدست آورند. امروزه هر فردی که با فرهنگ یا فرهنگ‌ها سروکار دارد، چه این سروکار داشتن مستمر باشد و یا گاهگاهی، باید با برخی از اصطلاحات فرهنگ‌نگاری عمومی تک‌زبانه، دو و یا چندزبانه آشنایی داشته، با آنها انس و الفت برقرار نماید و ضمناً ویژگی‌های فرهنگ یا فرهنگ‌های مورد مراجعه را با مطالعه دقیق مقدمه‌های آنها خوب بشناسد تا بتواند از مراجع و منابع به طور بهینه استفاده کند.

در صفحه دو همین بخش [همان] بیان شده است که باید اصطلاحات فرهنگ‌نگاری مدخل/سرواژه، زیرواژه، تلفظ (آوانگاشت)، مقوله دستوری و ... مثل نقل و نبات بر زبان واژه‌جویان و کاربران فرهنگ‌ها جاری باشد. نگوییم که این اصطلاحات ویژه فرهنگ‌نگاری است و به درد کار فرهنگ‌نگاران می‌خورد و ما را با آنها کاری نیست. واژه‌جویان و کاربران نیز باید با برخی از این اصطلاحات آشنایی داشته باشند و در ارتباط با فرهنگ یا فرهنگ‌ها از آنها بهره‌گیری نمایند و در گفتگو درباره مراجع و منابع، این اصطلاحات را بکار گیرند. غالباً دیده می‌شود که واژه‌جویان و کاربران بدون مطالعه دقیق مقدمه، به



ویژه بدون مطالعه شیوه بهره‌گیری از فرهنگ، به فرهنگ مراجعه می‌کنند. اگرچه در این نوع مراجعه، اطلاعات مورد نیاز تا حدودی بدست می‌آید و رفع نیاز می‌شود، اما این اطلاعات دقیق و جامع نیست و در نتیجه از فرهنگ استفاده بهینه به عمل نمی‌آید. امروزه فرهنگ‌ها علاوه بر نقش ارجاعی صرف، نقش آموزشی نیز به عهده گرفته‌اند و نه تنها نیاز اطلاعاتی واژه‌جویان و کاربران را برآورده می‌سازند، بلکه در امر زبان‌آموزی نیز آنان را آموزش می‌دهند و به کاربران و واژه‌جویان کمک می‌کنند تا دانش زبانی خود را افزایش دهند.

بیگدلی [۱۴] در کتاب‌شناسی توصیفی لغت‌نامه‌های تخصصی انگلیسی- فارسی و فارسی- انگلیسی می‌نویسد: در جوامع امروزی که همه چیز دستخوش تغییر و تحول است زبان نیز خواه ناخواه به صورت مختلف از تغییرات علمی و اجتماعی متأثر می‌گردد. مهمترین جلوه این تأثیر ابداع و رواج واژه‌ها و اصطلاحات علمی است. اهمیت این واژه‌ها و اصطلاحات آنقدر زیاد است که بدون آشنایی با آنها تفهیم و تفاهم علمی طولانی و گاه غیرممکن می‌شود. نیاز به آشنایی با معانی واژه‌ها و اصطلاحات خاصی که تاروپود کلامی هر رشته علمی را تشکیل می‌دهند تدوین واژه‌نامه‌های موضوعی خاص هر رشته علمی را ضروری ساخته است. پروین گنابادی در این مورد نوشته است: "در جامعه‌هایی که فرهنگ و دانش شکوفا می‌شوند، احتیاج ایجاد می‌کند که به تدوین لغت‌نامه‌ها یا فرهنگ‌ها و کتاب‌های لغت، یا اصطلاحات دانش‌ها و دایره‌المعارف‌ها همت گمارند تا طالبان دانش و ادب به سهولت بتوانند از خرمن علوم و معارف کسب فیض کنند و مشکلات خویش را با چنین رهنمودهائی آسان سازند."

به عقیده معماریان [۳۳] نگاهی گذرا به تاریخچه فرهنگ‌نگاری در ایران و روند تغییرات کمی و کیفی آن از ابتدا تا به امروز، نشان‌دهنده توجه عمده به تدوین فرهنگ‌ها و عدم توجه به تحقیقات و پژوهش‌های نظری پیرامون آنها است. اگرچه در دهه گذشته توجه بیشتری نسبت به استفاده از دستاوردهای فرهنگ‌نگاری علمی در غرب و نیز همگامی و همسویی بیشتری با دستاوردهای آن دیده می‌شود، با این وجود، هنوز در چارچوب دستاوردهای حاصل از تحقیقات نظری گوناگون، پژوهشی پیرامون بررسی روش‌های تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌های انواع فرهنگ‌های تک‌زبانه و دوزبانه در ایران انجام نشده است. پژوهش حاضر، سعی بر آن دارد تا به بررسی روش‌های تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌های هم‌آوا-هم‌نگاشت و چندمعنای انواع فرهنگ‌های تک‌زبانه (فارسی به فارسی، انگلیسی به انگلیسی) و دوزبانه (فارسی به انگلیسی) بپردازد.

## ۱-۲ انگیزه و هدف پژوهش

در این طرح سعی بر آن است تا با گردآوری معیارهای سودمند و نکات مثبت آنها و در نظر گرفتن نقاط ضعف یا نارسایی‌هایشان، چارچوبی عملی و راهکارهایی مناسب برای تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌های فرهنگ‌های تک‌زبانه و دوزبانه فارسی و انگلیسی در اختیار فرهنگ‌نگاران قرار داده شود. چراکه نوع فرهنگ در حقیقت نخستین و مهمترین گزینش یک فرهنگ‌نگار است و انتخاب واژه‌ها، مفاهیم و معانی مناسب در اولویت بعدی قرار می‌گیرد.

## ۱-۳ پرسش‌های پژوهش

این پژوهش قصد دارد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- اگر بپذیریم که فعالیت‌های فرهنگ‌نگاری باید بنیادی علمی و پایه‌های نظری داشته باشد چگونه می‌توان آن را بر این بنیاد استوار کرد؟

۲- آیا در سطح ساختار خرد، لازم است تفکیک معنی صورت پذیرد؟ چگونه؟

۳- چگونه می‌توان روش‌ها و معیارهایی زبان‌شناختی برای تعیین معنی و تفکیک مفاهیم مدخل‌ها ارائه کرد؟

## ۱-۴ فرضیه‌ها

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

۱- لازم است از دستاوردهای دانش زبان در حوزه فرهنگ‌نگاری بهره گرفته شود.

- ۲- در فرهنگ‌نگاری لازم است معانی و مفاهیم واژه‌ها از هم تفکیک شوند. زیرا:  
 - اغلب واژه‌های زبان چندمعنا هستند.  
 - واژه‌هایی که حتی دارای یک معنا باشند دارای معانی فرعی کوچکی هستند.  
 - در متن‌های فارسی واژه‌های هم‌نگاشت نیز بسیار زیاد است.  
 ۳- با به‌کارگیری پیکره‌های زبانی و بررسی واژه در بافت می‌توان به تفکیک معنی پرداخت.

## ۱-۵ روش پژوهش

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای (نظری) انجام می‌شود و در مواردی به هنگام ارائه نمونه‌هایی از فرهنگ‌های تک‌زبانه (فارسی به فارسی)، (انگلیسی به انگلیسی) یا دوزبانه (فارسی به انگلیسی) از روش تحلیل محتوا و داده‌ها استفاده خواهیم کرد. از این رو، روش انجام این پژوهش داده‌بنیاد و نظریه‌بنیاد است.

## ۱-۶ محدودیت‌های پژوهش

الف- محدودیت‌هایی که این تحقیق با آن روبروست: مهمترین محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت زمانی و مشکلات دسترسی به منابع می‌باشد.

ب- محدودیت‌هایی که نگارنده برای پژوهش خود در نظر گرفته، عبارتند از: ۱- تعداد فرهنگ‌ها ۲- تعداد مدخل‌ها

## ۱-۷ نوع داده‌ها

داده‌های مورد بررسی سرواژه‌های فرهنگ‌ها هستند که شامل اسم، فعل، صفت، قید و ... می‌باشند.

## ۱-۸ تعداد مدخل‌ها

تعداد کل نمونه‌های گزیده شده برای بررسی در فرهنگ‌های فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به انگلیسی ۳۶۵ سرواژه/مدخل می‌باشد. از این تعداد ۲۷۶ مدخل مربوط به فرهنگ‌های فارسی به فارسی و انگلیسی به انگلیسی می‌باشد، که ۲۴۶ سرواژه آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. ۳۰ مدخلی که مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد، اسامی خاص لغت‌نامه دهخدا می‌باشند. تعداد کل سرواژه‌های مورد بررسی در فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی ۸۹ مدخل می‌باشد، که به بررسی همه آنها پرداخته خواهد شد. سرواژه‌های مورد بررسی در فرهنگ‌های فارسی به فارسی و انگلیسی با ذکر تعداد آنها عبارتند از: فرهنگ‌های فارسی به فارسی و انگلیسی: (۱) آریا (۲) آسیا (۳) پَر، (۴) پِر، (۵) پُر (۶) تَن، (۷) تُن (۸) تار (۹) خار (۱۰) خوش (۱۱) دست (۱۲) دل (۱۳) رَوی (۱۴) روی (۱۵) سَدَه (۱۶) سُدَه (۱۷) bank, (2) bark, (1) سَر، (۱۸) سِر، (۱۹) سُر (۲۰) سراب (۲۱) شانه (۲۲) شیر (۲۳) قضا. فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی: (3) foot, 4) head, 5) mail, 6) mole, 7) needle, 8) pupil, 9) run, 10) sole.

تعداد سرواژه‌های بررسی شده در فرهنگ‌های فارسی به فارسی (لغت نامه دهخدا، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی امروز و فرهنگ بزرگ سخن) و فارسی به انگلیسی (فرهنگ پیشرو آریانپور):

لغت‌نامه دهخدا: ۲۳ مدخل فرهنگ عمید: ۲۴/۲۳ مدخل فرهنگ معین: ۲۴ مدخل

فرهنگ فارسی امروز: ۲۴ مدخل فرهنگ سخن: ۲۴ مدخل فرهنگ پیشرو آریانپور: ۲۸ مدخل

تعداد سرواژه‌های بررسی شده در فرهنگ‌های انگلیسی به انگلیسی (فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن، فرهنگ آکسفورد پیشرفته، فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر و فرهنگ آمریکایی هریتیج):

فرهنگ انگلیسی معاصر لانگمن: ۱۹ سرواژه فرهنگ آکسفورد پیشرفته: ۱۰ سرواژه

فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر: ۳۶ سرواژه فرهنگ آمریکایی هریتیج: ۲۴ سرواژه

## ۹-۱ بیان برخی مفاهیم و اصطلاحات پایه

### ۹-۱-۱ زبان، بخش‌ها و سطح‌های آن

زبان از بخش‌ها و مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود و هر کدام از آنها واحدهایی دارند که در نظم سلسله مراتبی قرار می‌گیرند. قبل از معرفی بخش‌های زبان بهتر است برای روشن‌تر شدن هرچه بیشتر مبحث، ابتدا از واحدهای زبان و ترتیب آنها آغاز کنیم: صداها و آوای زبان، ترکیبات آنها مانند هجاها و مجموعه‌ای از صامت‌ها، تکیه و آهنگ و دیگر ویژگی صداها و واج‌شناسی و آواشناسی بررسی می‌شود. واژه‌شناسی به واژگ و واژه، شکل‌های متفاوت آنها و شیوه ساختن واژه‌ها و ترکیب‌ها و ساختمان واژه می‌پردازد. واژه‌شناسی اساساً به دو بخش اشتقاقی و تصریفی تقسیم می‌شود: در بخش اول، اصول و روش‌ها و عناصری که در ساختن واژه به کار می‌روند، بررسی می‌شود و در بخش دوم راه‌های پردازش واژه‌ها برای به عهده گرفتن نقشی در جمله مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سطح نحو زبان به مطالعه چگونگی کنار هم قرار گرفتن واژه‌ها برای تشکیل جمله و قواعد جمله‌سازی مربوط می‌شود. معنی‌شناسی عبارت است از مطالعه معنای واژه‌ها، عبارت‌ها، جمله‌ها، ویژگی‌های معنایی واژه‌ها و معانی صریح آنها. کاربرد عناصر زبانی در حین ارتباطات واقعی، روابط بین جمله‌ها با موقعیت و بافتی که در آن به کار می‌روند، تفاوت‌های سبکی، معانی ضمنی واژه‌ها و جمله‌ها و تداعی عاطفی واژه‌ها و جمله‌ها در سطح کاربردشناسی زبان مطالعه می‌شود. بخش دیگری وجود دارد که به گونه نوشتاری زبان مربوط می‌شود و آن، دستگاه خط یا خط‌شناسی یا نظام نوشتاری زبان است که در آن از حروف مشخص برای ثبت گفتار استفاده می‌کنند. [۳۷: ص ۱۹]

### ۹-۱-۲ زبان‌شناسی

زبان‌شناسی را «بررسی علمی زبان» تعریف کرده‌اند. [۱۱: ص ۹؛ ۱۲: ص ۱۳؛ ۳۵: ص ۹] این تعریفی است که از خود نام آن هم برمی‌آید [۱۲: ص ۱۳] و مطلب جدیدی را نشان نمی‌دهد. اشکال این تعریف در این است که تعریف زبان را بدیهی فرض کرده است [۱۱: ص ۹]. البته قصد ما این نیست که به بحث در مورد ماهیت زبان بپردازیم، اما به مناسبتی، بد نیست در مورد صفت «علمی» صحبتی کنیم:

منظور از صفت «علمی» برای بررسی زبان این است که زبان‌شناسی هم «مانند همه علوم دیگر، دارای اصول و قواعد و روش‌هایی مبتنی بر مشاهده و تجربه و استقراء بر اساس ملاک‌های صوری و عینی است». [۳۵: ص ۱۰]. یعنی مانند علوم تجربی، محققان ابتدا پدیده‌های عینی و محسوس زبان را گردآوری و بعد طبقه‌بندی می‌کنند و سپس با توجه به این موارد، نتایجی می‌گیرند و فرضیاتی طرح می‌کنند، آنگاه این نتایج و فرضیات را با محک تجربه و آزمایش می‌سنجند. فرضیاتی که به اثبات می‌رسند، به عنوان «نظریه» پذیرفته می‌شوند، و اگر نه مردود دانسته می‌شوند [۱۲: ص ۱۳]. از جمله مواردی که زبان‌شناسان در مورد آن فرضیاتی مطرح ساخته‌اند، «ساختار زبان» است. زبان‌شناسان با جنبه عینی و بالفعل زبان مواجه‌اند، نه با ساخت ذهنی و بالقوه آن. بنابراین، آنان فقط می‌توانند در این مورد به حدس و گمان متوسل شوند. مطابق نظریه سوسور، زبان «مجموعه‌ای از دستگاه‌های کوچک است که از ترکیب آنها دستگاه‌های بزرگ و از ترکیب این‌ها، دستگاه کل زبان به وجود می‌آید. هر دستگاه از اجزای به هم پیوسته‌ای تشکیل شده است که براساس سلسله مراتبی، هم با یکدیگر و هم با دستگاه خود و هم با دستگاه‌های دیگر رابطه‌ای متقابل دارند.» [۳۵: ص ۲۲].

### ۹-۱-۳ تکواژ<sup>۱</sup>

ساخت سلسله مراتبی زبان را روی محور همنشینی به ترتیب از واحدهای بزرگتر به کوچکتر می‌توان چنین نوشت:

جمله مستقل ← جمله ← گروه ← واژه ← تکواژ (← هجا) ← واج

جمله «خواندن چند صفحه از این کتاب‌ها چشم را خسته و ذهن را آشفته می‌کند.» یک جمله مستقل است. «خواندن چند صفحه» یک گروه است. «خواندن» و «آشفته» هر کدام یک واژه هستند. جمله فوق شامل بیست و یک یا بیست و دو تکواژ

1. Morpheme

است بسته به اینکه «آشفت» را یک یا دو تکواژ به حساب آوریم: خوان + د + ن + - + چند + صفحه + از + این + کتاب + ها + چشم + را + خسته + و + ذهن + را + آشف + ت + ه (پ) + می + کن + د + «خواندن» شامل دو هجا است. «خسته می‌کند» پنج هجا و «صفحه» هم دو هجا دارد. «کتاب» یک تکواژ است و پنج واج دارد: /ketâb/ اک، ا، ات، ا، اب، در اینجا موضوع بحث خود را به «تکواژ» یا واژگ محدود می‌کنیم و سعی می‌کنیم درباره تکواژ و شناخت و طبقه‌بندی آن مطالبی به اجمال و به زبانی ساده‌تر بیان کنیم.

شناسایی، تجزیه و توصیف تکواژها و نیز مطالعه فرایند واژه‌سازی در حیطه ساخت‌واژه (صرف) قرار دارد که ترجمه واژه morphology می‌باشد. تکواژ «کوچکترین واحد زبان است که دارای معنی یا نقش دستوری است». برای تشخیص تکواژها، به معنی مستقل و یا نقش دستوری ویژه‌اش در زبان باید توجه کنیم نه به طول هجاها و یا تعداد آنها و یا تعداد واج‌های یک واژه. زیرا همانطور که گفتیم در سلسله مراتبی زبان تکواژ بعد از واژه و قبل از واج (و هجا) قرار می‌گیرد. واج‌ها که خود کوچکترین واحد مفارق معنی در زبان هستند و تعدادشان در هر زبانی محدود و قابل شمارش است؛ خود سازنده واحدهای بزرگتری به نام تکواژ هستند. اما در زبان فارسی تکواژهایی نیز دیده می‌شوند که از یک واج ساخته شده‌اند مثل: نقش نمای اضافه (ه = -) و نیز پسوند ه = e در واژه چشمه (چشم + ه). در زبان فارسی تکواژهایی که از یک هجا ساخته شده‌اند کم نیستند مثل: آب- گل- در و ... اما تکواژهایی هستند که بیش از یک هجا دارند. تکواژهای دوهجایی مثل زبان، سه هجایی انقلاب و حداکثر هجاها یکی تکواژ چهار هجا است مثل شنبلیله و یا واژه دخیلی مثل تلویزیون. تعداد هجا و واج‌ها ملاک تشخیص تکواژ نیستند. واحد بزرگتر از تکواژ واژه است که خود از یک یا چند تکواژ تشکیل می‌شود. برای مثال: «کتاب» یک واژه و یک تکواژ است، اما «تکواژ الزاماً یک واژه نیست یعنی برخی از واژه‌ها بیش از یک تکواژ دارند.» مثلاً واژه دانش از دو تکواژ ساخته شده است. [۱: ص ۲۶]

همانطور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های زبان انسان ویژگی دوساختی بودن یا تجزیه دوگانه آن است. بدین معنی که یک عبارت را دو بار می‌توان تجزیه و تقطیع کرد. یک بار به اجزایی بزرگتر که نشانه‌های معنی‌دار زبان هستند و بار دوم به اجزایی کوچکتر که نشانه‌های بی‌معنی می‌باشند ولی ممیز معنی هستند. واحدهای به دست آمده از تجزیه اول را تکواژ و واحدهای بدست آمده از تجزیه دوم را واج می‌گویند. مثلاً عبارت «من می‌خندم» در تجزیه اول به چهار تکواژ قابل تقسیم است: من + می + خند + م. ولی همین عبارت در تجزیه دوم به یازده واج تقسیم می‌شود: م + - + ن + م + ی + خ + - + ن + د + - + م. بنابراین با توجه به آنچه که گفتیم می‌توان چنین نوشت که: تکواژ کوچکترین واحد معنی‌دار زبان است که از تجزیه نخست حاصل می‌شود. [۱: صص ۲۷-۲۶]

آخوندی [۱: ص ۲۷] در ادامه بحث خود تکواژها را به سه دسته ذیل تقسیم می‌کند:

۱- تکواژهای آزاد یا مستقل: بعضی از تکواژها معنی مستقل و واژگانی دارند و یا می‌توانند به عنوان یک عنصر مجزا در جمله وقوع یابند و به کلمه‌های همراه خود نچسبند، این گونه تکواژها را تکواژهای آزاد و مستقل می‌نامند و خود به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف- تکواژهای قاموسی: این نوع تکواژها خود یک واژه مستقل و معنی‌دار هستند مانند: اسم‌ها- صفت‌ها- فعل‌ها که معمولاً در فرهنگ لغات تنظیم و معنی شده‌اند.

ب- تکواژهای نقش‌دار یا نقش‌نما: که دارای نقش دستوری‌اند و به عنوان یک عنصر به طور مجزا در داخل جمله وقوع می‌یابند و برخلاف وندها به کلمه جوش نمی‌خورند، مثل پیوندها و حروف اضافه.

۲- تکواژهای وابسته یا مقید: تکواژهایی که هرگز به تنهایی و مستقلاً به کار نمی‌روند و همیشه در ترکیب با تکواژهای مستقل ظاهر می‌شوند. این تکواژها بر دو نوع‌اند:

الف- تکواژهای تصریفی (صرفی): این تکواژها برای ساختن کلمات جدید به کار برده نمی‌شوند - بلکه بیشتر برای نشان دادن اینکه: آیا واژه مورد نظر جمع است یا مفرد؟ - شناس است یا ناشناس و نیز آیا صفت برتر است یا عالی؟ و کلاً برای آماده کردن کلمه به منظور قرار گرفتن در جمله به کار می‌روند مانند: تر- ترین- ها و ان جمع- ی نکره (ناشناس)- شناسه‌ها- می- ب در اول فعل و ...